

Macroeconomic Instability, Good Governance Indicators and Earnings Management in Iran's Capital Market

Ali Tork Zahrani 

Ph.D. Candidate of Accounting, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran, ali_zahrani1989@yahoo.com

Abbas Ali Daryaei 

Associate Professor of Accounting Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, alidaryaei@yahoo.com

Hamzeh Mohammadi Khoshouei

Assistant Professor of Accounting, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran, khoshoei@khuisf.ir

Abstract

Purpose: Examining the status of earnings management by firms in Iran's economic instability, as well as the role of good governance in adjusting this relationship, has remained unanswered so far. The purpose of this study is to investigate the effect of macroeconomic instability on earnings management and the moderating role of good governance indicators in Iran.

Method: To achieve the purpose of the research, the financial information of 163 companies admitted to the Tehran Stock Exchange in the period from the beginning of 2009 to the end of 2022 was used, and to test the hypothesis of the research, the multivariate regression method and combined data were used.

Results: The findings showed that economic instability in Iran's economic environment does not affect real earnings management. However, the findings showed that economic instability in this management environment has increased accrual profit. On the other hand, the findings showed that good governance was able to moderate the relationship between economic instability and real and accrual earnings management. In this way, the interaction of the good governance index with economic instability has caused the real earnings management and accrual earnings management to decrease.

Conclusion: Based on the findings, good governance has a positive effect on adjusting the negative effects of economic instability on earnings management. Accounting researchers can investigate more deeply the role of good governance tools and mechanisms in organizations and provide models that promote the reduce of earnings management in the conditions of economic instability.

Contribution: The findings of this research show a good explanation of the status of earnings management in Iran's economic environment, especially under unstable conditions, and also highlight the important role of good governance in such an environment.

Keywords: Accrual Earnings Management, Good Governance, Real Earnings Management, And Macroeconomic Instability.

Research Article

Cite this article: Tork Zahrani, Daryaei & Mohammadi Khoshouei (2024) Macroeconomic Instability, Good Governance Indicators and Earnings Management in Iran's Capital Market, *Journal of Financial Accounting Knowledge*, Vol.11, NO.3, Fall: 129-159.

DOI: 10.30479/jfak.2024.19846.3168


Received on 17 January, 2024 **Accepted on** 12 May, 2024

© The Author(s). 


Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Abbas Ali Daryaei (alidaryaei@yahoo.com)

بی‌ثباتی اقتصاد کلان، شاخص‌های حکمرانی خوب و مدیریت سود در بازار سرمایه ایران

علی ترک زهرانی 

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران، ali_zahrani1989@yahoo.com

عباسعلی دریائی 

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، alidaryaii@yahoo.com

حمزه محمدی خشوئی

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران، khoshoei@khuisf.ir

چکیده

هدف: بررسی وضعیت مدیریت سود توسط شرکت‌ها در فضای بی‌ثباتی اقتصادی ایران و همچنین، نقش حکمرانی خوب در تعدیل این رابطه، تاکنون بدون پاسخ مانده است. هدف این پژوهش بررسی تأثیر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر مدیریت سود و نقش تعدیل‌کننده شاخص‌های حکمرانی خوب در سطح کشور ایران است.

روش: برای نیل به هدف پژوهش، از اطلاعات مالی ۱۶۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ابتدای سال ۱۳۸۸ تا پایان سال ۱۴۰۱ و برای آزمون فرضیه پژوهش از روش رگرسیون چندمتغیره و داده‌های ترکیبی استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که عدم ثبات اقتصادی بر مدیریت سود واقعی تأثیر ندارد. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که شرکت‌های ایرانی در زمان عدم ثبات اقتصادی از روش واقعی اقدام به مدیریت سود نکرده‌اند و روش‌های دیگری را انتخاب کرده‌اند. با این حال، یافته‌ها نشان داد که عدم ثبات اقتصادی در این محیط مدیریت سود تعهدی را افزایش داده است. از طرف دیگر، یافته‌ها نشان داد که حکمرانی خوب توانسته است رابطه بین عدم ثبات اقتصادی و مدیریت سود واقعی و تعهدی را تعدیل کند. بدین صورت که تعامل شاخص حکمرانی خوب با عدم ثبات اقتصادی باعث شده است که مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی کاهش پیدا کند.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها، حکمرانی خوب تأثیر مثبتی بر تعدیل اثرات منفی عدم ثبات اقتصادی بر مدیریت سود دارد. پژوهشگران حسابداری می‌توانند به بررسی عمیق‌تر نقش ابزارها و سازوکارهای حکمرانی خوب در سازمان‌ها پرداخته و مدل‌هایی ارائه کنند که کاهش مدیریت سود در شرایط عدم ثبات اقتصادی را ترویج کند.


دانش‌افزایی: یافته‌های این پژوهش تبیین خوبی از وضعیت مدیریت سود در فضای اقتصادی ایران و به‌خصوص تحت شرایط بی‌ثباتی را نشان می‌دهد و همچنین، نقش مهم حکمرانی خوب را در چنین فضایی برجسته می‌کند.

واژگان کلیدی: بی‌ثباتی اقتصاد کلان، حکمرانی خوب، مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی.

مقاله پژوهشی

*استناد: ترک زهرانی، دریائی و محمدی خشوئی (۱۴۰۳)؛ بی‌ثباتی اقتصاد کلان، شاخص‌های حکمرانی خوب و مدیریت سود در بازار سرمایه ایران، فصلنامه علمی دانش حسابداری مالی، مقاله پژوهشی، دوره ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۴۲، پاییز ۱۴۰۳، ۱۲۹-۱۵۹.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۲/۲۳

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) © حق مؤلف نویسندگان 

۱- مقدمه

گزارش‌های مالی، منابع مهم اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به شمار می‌روند که مدیران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان برای رفع نیازهای خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. عدم تقارن اطلاعاتی امکان دسترسی انحصاری مدیران به بخشی از اطلاعات را فراهم می‌نماید. همچنین انگیزه‌هایی مانند پاداش، هموارسازی سود و مقررات‌گریزی این امکان را برای مدیران به وجود می‌آورد تا در جهت منافع خود دست به اعمال مدیریت سود بزنند (شفیعی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۴). بنابراین، طبق تئوری نمایندگی از آنجا که تهیه صورت‌های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری می‌باشد، ممکن است بنا به دلایل مختلفی اقدام به مدیریت سود نمایند (بالیوس^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۴۱). اهمیت مدیریت سود باعث شده پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شود (نصیری الموتی و همکاران، ۱۴۰۲؛ آشتاب و دهقان، ۱۴۰۲). اهداف این پژوهش‌ها متفاوت بوده و تأثیر عوامل مختلفی بر این مهم را نشان داده‌اند. هدف این پژوهش نیز بررسی تأثیر بی‌ثباتی اقتصادی کلان بر مدیریت سود و نقش تعدیل‌کننده شاخص‌های حکمرانی خوب در سطح کشور ایران است که به صراحت چگونگی تأثیرگذاری بی‌ثباتی شاخص‌های اقتصاد کلان بر مدیریت سود و نقش شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران، به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه را تحلیل خواهد کرد. با مرور ادبیات قبلی، به نظر می‌رسد پژوهش‌های قبلی در مورد پیامدهای محیط اقتصاد کلان بر مدیریت سود، عمدتاً بر بحران‌های مالی تمرکز داشته‌اند (آرتور^۲ و همکاران، ۲۰۱۵؛ فیلیپ و رافورنیر^۳، ۲۰۱۴؛ کوسنیدیس^۴ و همکاران، ۲۰۱۳؛ ترومیتا و ایمپراتوره^۵، ۲۰۱۴؛ باغومیان و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین، این پژوهش‌ها (به غیر از پژوهش باغومیان و همکاران (۱۳۹۶)) عمدتاً بر کشورهای توسعه یافته اتحادیه اروپا متمرکز بوده‌اند و معمولاً متغیرهای ساختگی یا حتی تولید ناخالص داخلی را برای اندازه‌گیری عدم ثبات اقتصاد کلان در نظر گرفته‌اند که می‌توان گفت به سختی، پیچیدگی مرتبط با محیط‌های اقتصادی ناپایدار را نشان می‌دهد. یافته این پژوهش‌ها نتایج متفاوتی ارائه داده است. اما پژوهش حاضر معیاری از بی‌ثباتی اقتصاد کلان برای ایران پیشنهاد می‌دهد که در طول سال‌ها تغییر می‌کند و با ارائه شواهد تجربی مبنی بر اینکه سطوح بی‌ثباتی اقتصاد کلان ایران به روش‌های مختلف بر شیوه‌های مدیریت سود در این اقتصاد در حال توسعه تأثیر می‌گذارد، انتظار می‌رود نتایج جدیدی ارائه شود.

بی‌ثباتی اقتصاد کلان که عمدتاً در ادبیات اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد، شامل مسائل مربوط به نوسانات بزرگ در فعالیت‌های اقتصادی، نرخ تورم بالا، افزایش بیکاری، عدم تعادل در تراز پرداخت‌ها و نوسانات بیش از حد در بازارهای ارز و مالی است (ویانا^۶ و همکاران، ۲۰۱۹: ۴). چندین پیامد منفی در سطوح بالای بی‌ثباتی اقتصاد کلان وجود دارد، مانند افزایش عدم اطمینان و کاهش اعتماد و پایین آمدن استانداردهای زندگی (صندوق بین‌المللی پول^۷،

۲۰۲۰). بنابراین به نظر می‌رسد بی‌ثباتی محیط‌های کلان اقتصادی یکی از مخرب‌ترین مسائل در اقتصاد کلان معاصر باشد (سکوروبوگاتووا^۱، ۲۰۱۶: ۶۳؛ بالیوس^۹ و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۴۵). رشد محیط‌های اقتصادی ناپایدار نیاز به ارزیابی مجدد اساسی در تمام زمینه‌های پژوهش‌های تجاری و اقتصادی از جمله شیوه‌های حسابداری دارد (آرنولد^{۱۰}، ۲۰۰۹؛ ویانا و همکاران، ۲۰۲۲). ادبیات حسابداری به طور تجربی این ارتباط را نشان می‌دهد که محیط‌های اقتصاد کلان نامطلوب بر مدیریت سود تأثیر می‌گذارد (آرتور و همکاران، ۲۰۱۵: ۱؛ ترومبتا و ایمپراتوره، ۲۰۱۴: ۲۰۵). این مسیر از پژوهش‌ها بر این فرض تکیه دارد که شرایط اقتصاد کلان به نیروهای حیاتی در انتخاب رویه‌های حسابداری توسط مدیران تبدیل می‌شود.

اخیراً، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا^{۱۱} و هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام^{۱۲}، افشای ریسک بازارهای در حال توسعه و ناهماهنگی کیفیت اطلاعات مالی، الزامات و استانداردهای این بازارها را برجسته کرده‌اند و بیان می‌کنند که شرکت‌های فعال در اقتصادهای در حال توسعه و سرمایه‌گذاران که در آن شرکت‌ها فعالیت دارند، معمولاً با ریسک‌ها و عدم قطعیت‌های بیشتری نسبت به بازارهای تثبیت‌شده‌تر مواجه هستند (عبداللهی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۲۳). این نگرانی بیشتر در مورد تقلب در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با اقتصادهای توسعه یافته با داده‌های نظرسنجی ارنست و یانگ^{۱۲} تأیید می‌شود که به این نکته اشاره می‌کند که در بین ۲۵۵۰ مدیر اجرایی از ۵۵ کشور، تقلب و فساد در کشورهای در حال توسعه شایع‌تر نشان داده شده است (ارنست و یانگ، ۲۰۱۸). بنابراین در این پژوهش استدلال می‌شود که انگیزه‌های مدیران برای مشارکت در مدیریت سود در دوره‌های بی‌ثباتی بالاتر اقتصاد کلان می‌تواند در کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه تفاوت‌هایی داشته باشد. از طرف دیگر، ادبیات حسابداری نقش حاکمیت در سطح کشور را به عنوان یک عامل کلیدی نشان می‌دهد که می‌تواند تأثیر بسیاری از عوامل خارجی را بر خروجی‌های حسابداری و مالی در سطح شرکت در کشورهای در حال توسعه را کاهش دهد (دورنر و کیم^{۱۳}، ۲۰۰۵؛ گارسیا و نوگرا^{۱۴}، ۲۰۱۸). از آنجاکه شرایط حکمرانی در برخی از کشورها قوی‌تر است، مدیران کمتر در معرض عوامل خارجی هستند که ممکن است بر تصمیمات و انتخاب‌های مربوط به دستکاری سود توسط آن‌ها تأثیر بگذارد (ویانا و همکاران، ۲۰۲۲: ۲۶). بر اساس این فرض، انتظار می‌رود که اثر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر مدیریت سود در کشورهای در حال توسعه که شاید کمتر دارای شاخص‌های حکمرانی خوب باشند، بسیار مشهودتر باشد. تعاریف مختلفی از حکمرانی خوب وجود دارد.

محیط اقتصادی مورد بررسی در پژوهش حاضر، کشور ایران است که به عنوان یک اقتصاد در حال توسعه از آن اسم برده می‌شود و شامل سطوح متفاوتی از معیارها و شاخص‌های حکمرانی و نهادی نسبت به سایر کشورها از جمله کشورهای توسعه یافته است (محنت‌فر و همکاران،

۱۴۰۲: ۱۰۰)؛ که این شرایط انجام پژوهش‌های تلفیقی از مباحث مالی و اقتصادی در محیط اقتصادی ایران را جذاب کرده و می‌تواند گره‌گشای بسیاری از چالش‌های موجود در این محیط اقتصادی باشد. بی‌ثباتی در معیارهای اقتصادی کلان نیز در کشور ایران کاملاً مشهود است و می‌توان این واقعت را از مشاهده مستقیم محیط اقتصاد این کشور کاملاً استنباط کرد. با این وجود، برخی از چالش‌ها وجود دارند که احتمالاً پیامدهای آن‌ها قابل مشاهده باشد، اما به‌عنوان رویدادهای منجر به این پیامدها، هنوز برای بسیاری از افراد جامعه نمایان نیست و حتی توسط پژوهش‌های قبلی مورد غفلت واقع شده است. بررسی عوامل تأثیرگذار مهم بی‌ثباتی شاخص‌های اقتصاد کلان بر این رویداد مهم که ناشی از فرصت‌طلبی تعداد کمی از ذینفعان شرکت‌ها است و منافع سایر ذینفعان را در خطر قرار می‌دهد، مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین، باتوجه به اهمیت موضوع و سؤالی که پژوهش حاضر آن را مطرح کرده است، پاسخ تجربی به آن می‌تواند بیانگر حل یک چالش اساسی باشد و انجام پژوهش حاضر را از اهمیت فراوانی برخوردار نماید. در این پژوهش بر اساس چندین متغیر مربوط به شرایط محیط اقتصادی و شاخص بی‌ثباتی کلان اقتصادی برای ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد که در طول سال‌ها متغیر بوده است. همچنین، در پژوهش حاضر تأثیر این شاخص بر مدیریت سود تعهدی و واقعی به صورت جداگانه بررسی می‌شود. یکی دیگر از بررسی‌های اساسی در پژوهش حاضر، بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود توسط شرکت‌ها بر اساس آمار بانک جهانی از محیط اقتصادی ایران است که شامل پاسخگویی و حق اظهارنظر، ثبات سیاسی و نبود خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قانون‌گذاری، حاکمیت قانون و مهار فساد می‌شود. باتوجه به دامنه بررسی پژوهش حاضر، می‌توان گفت این پژوهش درصدد پاسخ به این سوالات است که بی‌ثباتی معیارهای کلان اقتصادی در محیط اقتصادی ایران چه تأثیری بر محیط گزارشگری و مدیریت سود شرکت‌ها گذاشته است؟ و این‌که شاخص‌های حکمرانی کشوری در ایران که توسط بانک جهانی ارائه شده است، چگونه رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود را تحت تأثیر قرار داده‌اند؟

۲- مبانی نظری و ادبیات پژوهش

بی‌ثباتی اقتصاد کلان

بی‌ثباتی اقتصاد کلان در سطح کشورها در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مسائل در اقتصاد کلان است (سکوروبوگاتووا^{۱۵}، ۲۰۱۶: ۶۳؛ بالیوس و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۳۹). در واقع، دوره‌های بی‌ثباتی شدید محیط اقتصاد کلان در سراسر جهان در قرن بیستم، این مهم را به یک موضوع کلیدی در تحلیل رشد اقتصادی تبدیل کرده است (کاریولی و گوجون^{۱۶}، ۲۰۱۵: ۵). جدا از دوره‌های بحران مالی، کشورها و حوزه‌های قضایی در سراسر جهان همواره با درجه خاصی از

بی‌ثباتی کلان اقتصادی مواجه هستند که آن را به موضوع نگرانی دائمی از سوی دولت‌ها و مقامات بین‌المللی تبدیل می‌کند. بر اساس این دیدگاه که بسیاری از بحران‌های اقتصاد کلان را دوره‌های بی‌ثباتی شدید اقتصاد کلان می‌دانند (داوودی و همکاران، ۲۰۲۱: ۶)، حتی اگر یک کشور لزوماً دوره‌ای از بحران را پشت سر نمی‌گذارد، اما مطمئناً همیشه درجه‌ای از نامطلوبی محیط اقتصادی در آن کشور وجود دارد که باعث می‌شود بی‌ثباتی کلان اقتصادی همواره توسط دولت‌ها رصد شود (ویانا و همکاران، ۲۰۲۲: ۲۷). در واقع، از دیدگاه تاریخی اقتصادهای بازار تمایل ذاتی به نوسان دارند، گاهی اوقات با دوره‌های بی‌ثباتی کلان اقتصادی بالا از جمله بحران‌های اقتصادی مکرر، درجاتی از بی‌ثباتی اقتصاد کلان را اجتناب‌ناپذیر می‌کند (سازمان ملل^{۱۷}، ۲۰۱۶). بنابراین، حتی در مواردی که بحران‌ها شدید نیستند (یعنی دوره‌های بحران مالی)، بی‌ثباتی اقتصاد کلان می‌تواند برای اقتصاد کلان منحرف‌کننده باشد که منجر به افزایش عدم اطمینان و در نتیجه کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود (بانک جهانی^{۱۸}، ۲۰۱۴). بنابراین، بی‌ثباتی اقتصاد کلان شامل مسائل مربوط به نوسانات بزرگ در فعالیت‌های اقتصادی، نرخ تورم بالا، افزایش بیکاری، عدم تعادل در تراز پرداخت‌ها و نوسانات بیش از حد در بازارهای ارزی و مالی است.

مدیریت سود

در ادبیات حسابداری تعاریف مختلفی از مدیریت سود ارائه شده که برخی از آنها در زیر ذکر شده است:

به گفته شیبیر^{۱۹} (۱۹۸۹) مدیریت سود شامل مداخله هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی خارجی برای بدست آوردن سود شخصی است. اسکات^{۲۰} (۱۹۹۷) مدیریت سود را به عنوان دستکاری مصنوعی منافع توسط مدیریت برای دستیابی به سطح سود مورد انتظار برای برخی تصمیمات خاص تعریف می‌کند (مقدم و عباسپور، ۲۰۱۷: ۱۰۳). اسکات (۲۰۱۵) اظهار می‌دارد که مدیریت سود یک تنظیم مدیریتی با ارائه سود است که هدف آن به حداکثر رساندن ارزش بازار از طریق انتخاب رویه‌های حسابداری می‌باشد (فبریانتی^{۲۱} و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۴۵).

مدیریت سود، انتخاب مدیر در گزینش و تعیین رویه‌های حسابداری یا رویداد واقعی است که سود شرکت را برای دستیابی به اهداف متعدد در تهیه گزارش مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طور کلی، مدیریت سود را می‌توان مداخله مدیر در روند تهیه صورت‌های مالی که اطلاعات را به اشخاص خارجی ارائه می‌دهد، تعریف کرد (رلیجیوسا و سورجاندیری^{۲۲}، ۲۰۲۱: ۴). بر اساس تعاریف مطرح شده، از دو منظر مختلف می‌توان به موضوع مدیریت سود پرداخت. اول اهمیت رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری است. هرگونه عملکرد یا کاربردی در غیر این صورت نقض و دور زدن این اصول تلقی می‌شود که تقلب یا دستکاری با هدف گمراه کردن کاربران را به همراه دارد. با این حال، در طولانی‌مدت دستکاری منفی منعکس می‌شود. در مقابل، طرفداران

مدیریت سود بر این باورند که این روشی است که به موجب آن حسابداران و مدیریت شرکت‌ها، سود و موقعیت مالی را به گونه‌ای افزایش می‌دهند که اصول و استانداردهای حسابداری را نقض نکنند. در این حالت، حسابداران و مدیریت صرفاً بهترین روش و کاربرد رویه حسابداری را انتخاب می‌کنند (ال ساعدی^{۲۳}، ۲۰۱۸: ۹).

بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود

بر اساس دیدگاه نظری تهیه‌کنندگان اطلاعات حسابداری مالی انگیزه‌هایی برای افزایش و کاهش مدیریت سود در دوره‌های بی‌ثباتی بالای اقتصاد کلان دارند. از یک طرف، مدیران می‌توانند با افزایش مدیریت سود در طول دوره‌های رکود، سود کمتری را جبران کنند تا از افت شدید قیمت سهام شرکت که تأثیر منفی بر پاداش آنها می‌گذارد، اجتناب کنند (چاریتو^{۲۴} و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۷۳). از سوی دیگر، می‌توان استدلال کرد که افزایش عدم اطمینان عمومی بازار، همراه با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی (لیائو^{۲۵} و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۳۴)، باعث می‌شود سرمایه‌گذاران و سایر سهامداران در هنگام تجزیه و تحلیل اطلاعات افشا شده دقت بیشتری داشته باشند. بنابراین، با افزایش نظارت بر اطلاعات حسابداری مالی گزارش شده، شرکت‌ها مدیریت سود را در طول دوره‌های بی‌ثباتی بیشتر اقتصاد کلان کاهش می‌دهند. اما این استدلال و رویکرد مختص محیط‌هایی می‌تواند باشد که دارای سرمایه‌گذاران خبره جامعه حداکثر هستند و آموزش‌های کافی درباره مدیریت ریسک و بحران را آموخته‌اند. اما فرایند شرکت در بازار سرمایه در محیط اقتصادی ایران، به صورتی است که سرمایه‌گذاران دارای آموزه‌های لازم برای شرکت و سرمایه‌گذاری در بازار نیستند و بنابراین، می‌تواند تا حدی بر اساس مشاهدات استدلال کرد که در شرایط بحرانی سرمایه‌گذاران در هنگام تجزیه و تحلیل اطلاعات افشا شده دقت و نظارت کافی نداشته باشند (قیصریان و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۳۸۲). با در نظر گرفتن این بحث به عنوان یک موضوع اصلی، استدلال می‌شود که انگیزه‌های مدیران برای مشارکت در مدیریت سود در دوره‌های بی‌ثباتی بالاتر اقتصاد کلان در بازارهای در حال توسعه، تفاوت زیادی با رفتار مدیران در کشورهای توسعه یافته دارد. در واقع، عوامل زیادی وجود دارد که تفاوت بین اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه را منعکس می‌کند. کشورهای کمتر توسعه یافته دارای تجربه کمتر و در معرض دید بین‌المللی پایین، سیستم‌های حکمرانی و مقررات دولتی ضعیف‌تر و بلوغ کمتر در بازار سرمایه داخلی هستند (بهگات^{۲۶} و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۵۵). علاوه بر این، کشورهای در حال توسعه نظارت کمتری توسط سهامداران و حمایت از سرمایه‌گذاران اقلیت (جانکوف^{۲۷} و همکاران، ۲۰۰۸)، سطوح پایین‌تر اجرای مقررات (پریاتو^{۲۸} و همکاران، ۲۰۱۵)، سطوح بالای ریسک دعوی قضایی (آرتور و همکاران، ۲۰۱۵) و سیستم‌های حکمرانی ضعیف‌تر (گریفیث و زاموتو^{۲۹}، ۲۰۰۵) وجود دارد.

در مورد سطوح بی‌ثباتی اقتصادی کلان، از دیدگاه تاریخی کشورهای در حال توسعه به طور سنتی بی‌ثباتی کلان اقتصادی بسیار بیشتری را نسبت به اقتصادهای توسعه یافته تجربه کرده‌اند (کاریولی و گوجان^{۲۰}، ۲۰۱۵: ۲۴). این امر به دلیل فقدان منابع کشورهای در حال توسعه برای هموارسازی نوسانات اقتصادی مانند سطوح پایین ذخایر ارز بین‌المللی، بازارهای داخلی کمتر توسعه یافته، حوزه مالی-سیاسی کمتر برای برنامه‌های تحریک اقتصادی و ضعف ارزی رخ می‌دهد (گورتتر^{۲۱}، ۲۰۱۰: ۱۹۳). همچنین، شوک‌های خارجی قابل توجه، سیاست‌های اقتصاد کلان نامطمئن و سختی‌های اقتصادی خرد، می‌توانند رکود اقتصاد کلان را در کشورهای در حال توسعه تشدید کنند (لویزا^{۲۲} و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۴۷). علاوه بر این، مقدار کمتر نوآوری مالی در کشورهای در حال توسعه می‌تواند تأثیر رونق و رکود سرمایه‌گذاری بر اقتصاد کلان را نیز افزایش دهد (بانک جهانی، ۲۰۱۰). این ویژگی‌هایی که در کشورهای در حال توسعه وجود دارند، ممکن است بر نحوه عملکرد مدیران در دوره‌های بی‌ثباتی بیشتر (یا کمتر) اقتصاد کلان تأثیر بگذارند (صبوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳). در کشورهای در حال توسعه دوره‌های شدید بی‌ثباتی اقتصاد کلان، ممکن است بازرسی و نظارت حسابرسان، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان را کاهش دهد (پونگ^{۲۳} و همکاران، ۲۰۰۷)، که منجر به فشار کمتر بر مدیران برای تهیه اطلاعات با کیفیت بالاتر و در نتیجه مدیریت سود بیشتر می‌شود. از این دیدگاه، سطوح پایین‌تر اجرای مقررات (پریاتو و همکاران، ۲۰۱۵) و سیستم‌های حکمرانی ضعیف (گریفیت و زاموتو، ۲۰۰۵) در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند فشار بر شرکت‌ها برای مدیریت سود کمتر در طول دوره‌های بی‌ثباتی بالا در اقتصاد کلان را کاهش دهد. علاوه بر این، احتمالاً محافظه‌کاری در دوره‌های بالاتر بی‌ثباتی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌یابد؛ هرچند این وضعیت بی‌ثباتی سرمایه‌گذاران را ریسک‌گریزتر می‌کند، اما مدیران از این وضعیت برای رسیدن به اهداف شخصی خود استفاده می‌کنند (جنکینز^{۲۴} و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۰۵۳). بنابراین، ممکن است به دلیل اتخاذ محافظه‌کاری کمتر توسط مدیران، مدیریت سود افزایش یابد (پرتومو و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۵۲). علاوه بر این، ریسک دادرسی احتمالاً در دوره‌های کاهش اقتصادی، زمانی که بازارهای سرمایه افت شدید قیمت سهام را تجربه می‌کنند و نوسانات تشدید می‌شود، بیشتر است. بنابراین ممکن است مدیران از طریق مدیریت سود به افزایش این ریسک پاسخ دهند (فیلیپ و رافورنیر، ۲۰۱۴: ۴۷۴). در کشورهای در حال توسعه که به طور طبیعی دارای سطوح بالای ریسک دعوی قضایی، حمایت کمتر از سرمایه‌گذار و احتمالاً سرمایه‌گذاران متنوعی است، این ریسک افزایش یابد (آرتور و همکاران، ۲۰۱۵؛ لیائو و همکاران، ۲۰۱۳).

از طرف دیگر، این احتمال وجود دارد که سطوح بالای بی‌ثباتی اقتصاد کلان هزینه‌های مرتبط با دستکاری سود را افزایش دهد که در نتیجه مدیران از مشارکت در آن منصرف می‌شوند (ترومپتا و امپراتور، ۲۰۱۴: ۲۲۸). بر اساس این دیدگاه نهادهای استانداردگذار حسابداری در دوره‌های

رکود شدیدتر، اقداماتی برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی به امید بازگرداندن اعتماد سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند (آرتور و همکاران، ۲۰۱۵: ۳). بنابراین، با توجه به اجرای کمتر این استانداردها در کشورهای کمتر توسعه یافته، این احتمال وجود دارد که فشار کمتری بر تهیه‌کنندگان اطلاعات حسابداری مالی برای اطلاعات با کیفیت بالاتر (مدیریت سود کمتر) ایجاد کند. بنابراین، در کشورهای در حال توسعه خلاءهای محیطی سازمانی وجود دارد که به موجب آن شرکت‌ها باید به شوک‌های غیرقابل پیش‌بینی (اما قابل پیش‌بینی مکرر) بی‌ثباتی سیاسی، خشونت، نوسانات کلان اقتصادی تهاجمی و حتی جنگ‌ها بدون بهره‌مندی از واسطه‌های تخصصی که می‌توانند اطلاعات بازار را تحلیل کرده و معاملات را تسهیل کنند و همچنین، سیگنال‌های مربوط به اعتبار اطلاعات را ارائه دهند، پاسخ دهند (گائو^{۳۵} و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۱۶۳).

بر اساس این استدلال‌ها انتظار می‌رود که سطوح بالای بی‌ثباتی اقتصاد کلان می‌تواند محیط متفاوتی برای تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی شرکت‌ها در کشورهای توسعه یافته ایجاد کند. هرچند انتظار می‌رود با توجه به بررسی و فشار بیشتر بازار و مقررات‌گذاران در خصوص مدیریت سود در آن کشورها و افزایش احتمالی هزینه‌های مرتبط با این شیوه‌ها، بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود ارتباط منفی وجود داشته باشد، اما در یک محیط اقتصادی در حال توسعه مانند ایران که سرمایه‌گذاران دانش کافی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات ندارند، محیط نهادی ضعیف، سطوح پایین‌تر اجرا و انطباق قوانین، حمایت کمتر از سرمایه‌گذار و کیفیت حساسی پایین، می‌تواند مشارکت در شیوه‌های مدیریت سود بیشتر در دوره‌های بی‌ثباتی بیشتر اقتصاد کلان، محیطی برای این شرکت‌ها فراهم کند که در راستای اهداف شخصی و فرصت طلبانه مدیران باشد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش حاضر به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اصلی اول: سطح بی‌ثباتی کلان اقتصادی در محیط اقتصادی ایران با سطح مدیریت سود در شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد.

فرضیه فرعی اول: سطح بی‌ثباتی کلان اقتصادی در محیط اقتصادی ایران با سطح مدیریت سود واقعی در شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم: سطح بی‌ثباتی کلان اقتصادی در محیط اقتصادی ایران با سطح مدیریت سود تعهدی در شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد.

حکمرانی خوب

حکمرانی خوب کوششی در جهت حاکمیت قانون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی است و دارای یک دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری می‌باشد (چین و تانه^{۳۶}، ۲۰۲۲: ۳۵). این شامل سازوکارها، فرآیندها و

نهادهایی است که شهروندان و گروه‌ها برای بیان نگرانی‌های خود، اعمال حقوق و تعهدات قانونی خود و نشان دادن تفاوت‌های خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. از طریق حکمرانی خوب می‌توان منابع اقتصادی و اجتماعی برای توسعه یک ملت را مدیریت کرد. حکمرانی خوب مستلزم اجرای قدرت از طریق نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور و اعمال قدرت سیاسی، اداری و اقتصادی آن برای مدیریت امور ملی آن در همه سطوح است (بیری^{۳۷} و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۴۲). در واقع، حکمرانی خوب مبنای عالی برای دستیابی به استراتژی توسعه پایدار است. به نوبه خود، تمرکززدایی یک مکانیسم مؤثر است که علاوه بر مسئولیت‌پذیری، پیش‌بینی‌پذیری و شفافیت، پستوانه حکمرانی خوب است (الهمیاری^{۳۸}، ۲۰۱۰: ۴۳) و بر رشد توزیع درآمد تأثیر می‌گذارد (خان^{۳۹}، ۲۰۰۹: ۳۶). در اصل، این مجموعه‌ای از اصول و معیارهای مدیریت اجتماعی برای به حداکثر رساندن منافع عمومی، ارتقاء و تضمین توسعه هماهنگ و پایدار کشور است (جیائو^{۴۰}، ۲۰۲۱: ۵۳).

بی‌ثباتی اقتصاد کلان، حکمرانی خوب و مدیریت سود

ادبیات قبلی استدلال می‌کند که محیط نهادی در سطح کشورها با شکل دادن به ویژگی‌های اعداد حسابداری گزارش شده از طریق تعامل پیچیده استانداردهای حسابداری، حقوقی، بازار، نظارتی، انگیزه‌هایی ایجاد می‌کنند که بر رفتار مدیران شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، استانداردها و سایر فعالان بازار تأثیر می‌گذارد و فشارهای سیاسی و اختیار گزارشگری توسط مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بوشمن و پیوتروسکی^{۴۱}، ۲۰۰۶: ۱۱۱). بر اساس این دیدگاه، انگیزه‌های گزارشگری مالی تهیه‌کنندگان (یعنی مدیران و حسابرسان) به منابع تقاضا و تأثیر سیاسی بر گزارشگری مالی و نقش محیط نهادی وابسته است (بال^{۴۲} و همکاران، ۲۰۰۳: ۲۴۰). در این راستا، کشورهای دارای نهادهای قوی‌تر، اقدامات شرکت‌ها را با افزایش حمایت‌های سرمایه‌گذار محدود می‌کنند و به طور کلی اثرات متعددی بر بازار مانند کاهش اطلاعات نامتقارن و تضادهای نمایندگی ایجاد می‌کنند (الهی و کاپلان^{۴۳}، ۲۰۲۱: ۶۲۰). بنابراین، با توجه به اهمیت محیط نهادی و حکمرانی برای محیط کسب‌وکار، یک رشته ثابت و مهم از پژوهش‌ها به نقش حکمرانی به عنوان یک مؤلفه تعدیل‌کننده کلیدی اشاره می‌کند که می‌تواند تأثیر چندین عامل خارجی را بر خروجی‌های حسابداری و مالی در سطح شرکت‌ها در کشورهای در حال توسعه را تعدیل کند (چن و همکاران، ۲۰۰۹: چوی و همکاران، ۲۰۱۱: دورنف و کیم، ۲۰۰۵). دورنف و کیم (۲۰۰۵) نشان دادند که حتی اگر کیفیت عملکرد حکمرانی رابطه مثبتی با فرصت‌های رشد، تمرکز حقوق جریان نقدی و نیاز به تامین مالی خارجی داشته باشد، این روابط در کشورهای دارای سطح حکمرانی و نهادی قوی‌تر، به صورت معناداری ضعیف‌تر است. چن و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند که حکمرانی تأثیر منفی و معناداری بر هزینه سرمایه سهام در بازارهای نوظهور دارد و این اثر در کشورهای دارای محیط نهادی قوی، کمتر است. چوی و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که بحران

مالی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۸ منجر به کاهش قابل توجهی در ارتباط ارزش اقدام تعهدی اختیاری شد و این سقوط برای شرکت‌های فعال در کشورهای دارای محیط نهاد قوی، از شدت کمتری برخوردار بود.

به طور کلی، ایده اصلی پشتوانه این مطالعات این است که سطوح حکمرانی و محیط نهادی آن، عوامل خارجی تعیین‌کننده کیفیت اطلاعات با اهمیت در شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به دیگر دیگر، قوانین کشور به طور مؤثر اجرا شده، فساد کاهش یافته، بی‌ثباتی سیاسی کنترل شده و نهادهای سیاسی نخبگان سیاسی را محدود می‌کنند (آسیموگلو^{۴۴} و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۱۹) و رفتار حساس مدیران به متغیرهای خارجی که در نهایت ممکن است بر تصمیمات و انتخاب‌های آن‌ها در مورد دستکاری سود تأثیر بگذارد، تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس این فرض، انتظار بر این است که اثر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر استراتژی‌های مدیریت سود توسط مدیران، تحت تأثیر ویژگی‌های محیط نهادی و حکمرانی کشوری قرار گرفته و بنابراین، می‌توان گفت که سطوح محیط نهادی و شاخص‌های حکمرانی کشوری، می‌تواند رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و روش‌های مدیریت سود توسط مدیران را تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس این ادبیات، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شود.

فرضیه اصلی دوم: رابطه مثبت بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود توسط شاخص‌های حکمرانی خوب تعدیل می‌شود.

فرضیه فرعی سوم: رابطه مثبت بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود واقعی توسط شاخص‌های حکمرانی خوب تعدیل می‌شود.

فرضیه فرعی چهارم: رابطه مثبت بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود تعهدی توسط شاخص‌های حکمرانی خوب تعدیل می‌شود.

۳- روش‌شناسی

باتوجه به اینکه هدف از انجام این پژوهش بررسی بی‌ثباتی اقتصاد کلان، شاخص‌های حکمرانی خوب و مدیریت سود در بازار سرمایه ایران است، می‌توان گفت این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است. پژوهش حاضر، باتوجه به نوع جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی است. زیرا برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، داده‌های مورد نیاز از منابع موجود، یعنی صورت‌های مالی شرکت‌ها، گزارش‌های بورس تهران (تصمیمات مجمع عادی و صورت‌های مالی حسابرسی و منتشر شده از طریق سازمان بورس)، گزارش سالانه هیأت مدیره شرکت‌ها و بانک جهانی گردآوری شده است. داده‌های پژوهش، از طریق تحلیل داده‌های ترکیبی و روش رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل می‌شود. جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق

بهادار تهران است. نمونه پژوهش بر اساس شرایط زیر، شامل شرکت‌های نمونه در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ می‌باشد.

(۱) شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و تا سال ۱۴۰۱ نیز در فهرست باقی مانده باشند؛

(۲) طی دوره مورد نظر، تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند؛

(۳) برای افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشند؛

(۴) طول توقف دوره معاملات در این شرکت‌ها در بازه زمانی مذکور بیشتر از ۳ ماه نباشد؛

(۵) به دلیل ماهیت و روش‌های حسابداری، اقلام صورت‌های مالی جزء بانک‌ها، مؤسسات مالی، شرکت‌های بیمه و واسطه‌گری‌های مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشد.

بر این اساس، جدول نمونه‌گیری این پژوهش به شرح زیر است.

جدول ۱: شیوه انتخاب جامعه آماری در دسترس

شرح	تعداد	تعداد
تعداد کل شرکت‌های موجود در جامعه آماری پژوهش از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰	۳۶۱	
شرکت‌هایی که مجموعه کامل صورت‌های مالی آن‌ها در دسترس نیست یا وقفه معاملاتی بیش از سه ماه داشته‌اند.	۳۲۲ (۳۹)	
بانک‌ها، بیمه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و نظیر آن‌ها	۲۶۳ (۵۹)	
تغییر سال مالی در دوره پژوهش	۲۳۶ (۲۷)	
شرکت‌های پذیرفته شده در بورس پس از سال ۱۳۹۰	۱۶۳ (۷۳)	
مجموع شرکت‌های باقی‌مانده (جامعه آماری در دسترس)	۱۶۳	

مدل و متغیرها

در پژوهش حاضر با پیروی از پژوهش‌های ویانا و همکاران (۲۰۲۲)، ویانا و همکاران (۲۰۱۹)، فلورس و همکاران (۲۰۱۶)، ویانا (۲۰۲۱) از مدل‌های ۱ و ۲ برای آزمون فرضیه اصلی اول (فرعی اول و دوم) استفاده می‌شود.

مدل (۱): مدل آزمون فرضیه فرعی اول

$$AEM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MacroInstab_t + \beta_{2-n} \sum Controls_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۲): مدل آزمون فرضیه فرعی دوم

$$REM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MacroInstab_t + \beta_{2-n} \sum Controls_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته

متغیرهای وابسته در این مدل‌ها، مدیریت سود است. در پژوهش حاضر از مدیریت سود تعهدی (AEM) و مدیریت سود واقعی (REM) استفاده می‌شود. نحوه اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی و تعهدی به شرح زیر است:

مدیریت سود واقعی (REM)

نحوه اندازه‌گیری معیار ترکیبی مدیریت سود واقعی نیز مشابه چوی و همکاران (۲۰۲۱)، به صورت زیر محاسبه می‌شود:

رابطه (۱)

$$REM_{i,t} = (-REM_{CFO} - REM_{DISX} + REM_{PROD})$$

که سه معیار ترکیب شده در آن نیز به شرح زیر محاسبه می‌شوند:

جریان نقد غیرعادی: مشابه پژوهش رویچودری^{۴۵} (۲۰۰۶) از مدل زیر برای تخمین جریان نقدی غیر عادی استفاده می‌شود، به گونه‌ای که باقیمانده این مدل به عنوان معیار جریان نقدی غیرعادی (REM-CFO)، در نظر گرفته می‌شود.

مدل (۳)

$$\frac{CFO_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{S_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta S_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن

A: کل دارایی‌ها؛ CFO: جریان نقد عملیاتی و S: فروش.

تولید غیرعادی: مشابه پژوهش رویچودری (۲۰۰۶)، از مدل زیر برای تخمین تولید غیرعادی، استفاده می‌شود، به گونه‌ای که باقیمانده این مدل به عنوان معیار تولید غیرعادی (REM-PROD)، در نظر گرفته می‌شود.

مدل (۴)

$$\frac{PROD_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{S_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta S_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_4 \left(\frac{\Delta S_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن

PROD: بهای تمام شده کالای فروش رفته به اضافه تغییر در موجودی‌ها.

هزینه‌های اختیاری غیرعادی: مشابه پژوهش رویچودری (۲۰۰۶) از مدل زیر برای تخمین هزینه‌های اختیاری غیرعادی، استفاده می‌شود به گونه‌ای که باقیمانده این مدل به عنوان معیار هزینه‌های اختیاری غیرعادی (REM-DISX)، در نظر گرفته می‌شود.

مدل (۵)

$$\frac{DISX_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{S_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

DISX: جمع هزینه‌های پژوهش و توسعه، تبلیغات، اداری، عمومی و فروش.

تفاوت بین ارقام واقعی و سطوح برآوردی مدل‌های فوق به عنوان سطح غیرعادی جریان نقدی، تولید و هزینه‌های اختیاری تلقی می‌گردد.

مدیریت سود تعهدی

برای اندازه‌گیری مدیریت سود از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می‌شود. در ادبیات مالی و حسابداری این ارقام به عنوان انعکاسی از رویه‌ها و روش‌هایی که در اختیار مدیران است، تعریف می‌شوند (کشمیری^{۴۶}، ۲۰۱۴). جهت برآورد ارقام تعهدی اختیاری، مدل‌ها و الگوهای بسیار مانند هیلی (۱۹۸۵)، دی‌آنجلو (۱۹۸۶)، جونز (۱۹۹۱)، دیچاو و همکاران (۱۹۹۵)، کازنیک (۱۹۹۹)، دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)، مک‌نیکولز^{۴۷} (۲۰۰۲)، کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) وجود

دارد. به طور کلی جهت محاسبه ارقام تعهدی دو رویکرد سود-زیانی و ترازنامه‌ای وجود دارد. در رویکرد سود-زیانی، ارقام تعهدی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی به دست می‌آید که صورت جریان وجه نقد نیز در آن نقش دارد. اما ارقام تعهدی براساس رویکرد ترازنامه‌ای از تفاضل تغییرات دارایی‌های جاری غیرنقدی با بدهی‌های جاری به استثنای حصه جاری بدهی‌های بلندمدت سنجش می‌شود. در این پژوهش به دلیل محدودیت در گردآوری اطلاعات مربوط به حصه جاری بدهی‌های بلندمدت، از رویکرد سود و زیانی جهت سنجش ارقام تعهدی استفاده شده است که طبق رابطه زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$TA_{it} = EARN_{it} - CFO_{it} \text{ رابطه (۱)}$$

که در آن: TA بیانگر کل ارقام تعهدی؛ CFO معادل وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی در پایان سال جاری و EARN سود خالص سال جاری را نشان می‌دهد.

مرور پژوهش‌های انجام شده در محیط اقتصادی ایران، نشان می‌دهد که در بین مدل‌های اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری، تمایل به مدل جونز یا مدل تعدیل شده آن بیش از سایر مدل‌ها بوده است. در حالی که صرف نظر از دلایل آن، ممکن است مدل دیگری وجود داشته باشد که با شرکت‌های ایرانی سازگاری بیشتری داشته و بهتر بتواند این متغیر را توضیح دهد. در این پژوهش نیز اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری به‌عنوان معیار مدیریت سود براساس مدل‌های جونز (۱۹۹۱) دچاو و همکاران (۱۹۹۵)، کازنیک (۱۹۹۹) و کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) صورت می‌گیرد و قدرت تبیین و توضیح‌دهندگی، میزان خطا و سایر آماره‌های برازش برآورد شده و مدلی که از آماره‌های مطلوب‌تری برخوردار باشد، به‌عنوان الگوی اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری و معیار مدیریت سود انتخاب می‌شود. برای این کار، از آماره‌های ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده، آماره F، معیار اطلاعاتی آکائیک (AIC)، معیار شوارتز (SC) و معیار حنان-کوئین (HQC) استفاده می‌شود. بدین صورت که ضریب تعیین بالاتر و همچنین، معیارهای AIC، SC و HQC در مدل کمتر از سایر مدل‌ها باشد که بیانگر دقت بالاتر مدل می‌باشد.

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon \quad \text{مدل (۶)}$$

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_2 \left[\frac{(\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it})}{A_{it-1}} \right] + \beta_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon \quad \text{مدل (۷)}$$

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_2 \left[\frac{(\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it})}{A_{it-1}} \right] + \beta_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_4 \left(\frac{\Delta CFO_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon \quad \text{مدل (۸)}$$

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_2 \left[\frac{(\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it})}{A_{it-1}} \right] + \beta_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon \quad \text{مدل (۹)}$$

متغیرهای بکار رفته در مدل‌های متنوع مدیریت سود تعهدی، به شرح زیر تعریف شده‌اند:
 TA: مجموع ارقام تعهدی می‌باشد که برابر است با سود قبل از کسر بهره و مالیات منهای جریان وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی؛ A: مجموع دارایی‌های شرکت در سال قبل؛

ΔREV : تغییرات مجموع درآمدهای عملیاتی در سال جاری نسبت به سال قبل؛ PPE: مجموع ناخالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال جاری؛ ΔAR : برابر است با تغییرات در حساب‌های دریافتی در سال جاری نسبت به سال قبل؛ CFO: برابر است با جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی؛ ROA: بازده دارایی‌های شرکت است که برابر است با سود قبل از کسر بهره و مالیات تقسیم بر مجموع دارایی‌ها در سال قبل.

جدول ۲. نتایج اعتبارسنجی مدل‌های مدیریت سود

آماره / مدل	جونز	دیچاو و همکاران	مک نیکولز	کوتاری و همکاران
ضریب تعیین	۰/۳۹۱	۰/۳۰۳	۰/۳۶۷	۰/۴۸۹
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۴۳	۰/۲۴۹	۰/۳۱۸	۰/۴۴۹
آماره F	۸/۲۳۶	۵/۵۹۶	۷/۴۱۳	۱۲/۲۱۱
معیار آکائیک	-۰/۳۳۲	-۰/۱۹۸	-۰/۲۹۴	-۰/۵۰۷
معیار شوارتز	۰/۰۸۴	۰/۲۱۸	۰/۱۲۵	-۰/۰۸۸
معیار حنان-کوئین	-۰/۱۸۰	-۰/۰۴۶	-۰/۱۴۱	-۰/۰۳۵

در بین مدل‌های آزمون شده، مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) دارای بالاترین ضریب تعیین و کمترین مقادیر برای آماره‌های اطلاعاتی آکائیک (AIC)، معیار شوارتز (SC) و معیار حنان-کوئین (HQC) است. براین اساس، از قدر مطلق باقیمانده مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) به عنوان اقلام تعهدی اختیاری جهت اندازه‌گیری مدیریت سود تعهدی استفاده می‌شود.

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر بی‌ثباتی اقتصادی است که نحوه اندازه‌گیری آن به شرح زیر است: بی‌ثباتی اقتصاد کلان پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است که نمی‌توان آن را مستقیماً اندازه‌گیری کرد، زیرا تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند تورم، سرمایه بازار و تولید ناخالص داخلی و غیره قرار دارد (کاریولی و گوجون، ۲۰۱۵). در این پژوهش با پیروی از ویانا و همکاران (۲۰۲۲) و ویانا (۲۰۲۱) از شاخص بی‌ثباتی کلان اقتصادی (MacroInstab) استفاده می‌شود که با استفاده از تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای پنج متغیر مربوط به شرایط محیطی اقتصادی، یعنی نرخ تورم، شاخص بازار سهام (شاخص کل)، نرخ تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز و نرخ بیکاری استفاده می‌شود. ابتدا تغییرات هر کدام از متغیرها (سال جاری نسبت به سال قبل) محاسبه می‌گردد. سپس در ادامه به شرح زیر عمل می‌شود:

اگر تغییرات نرخ تورم مثبت باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌گیرد.

اگر تغییرات شاخص بازار سهام منفی باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌گیرد.

اگر تغییرات نرخ تولید ناخالص داخلی منفی باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌گیرد.

اگر تغییرات نرخ ارز مثبت باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌گیرد.

اگر تغییرات نرخ بیکاری مثبت باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌گیرد.

در پایان همه امتیازها برای هر سال جمع شده (حداکثر ۵ و حداقل صفر) و امتیاز بی‌ثباتی اقتصادی در آن سال محاسبه می‌شود. هرچه امتیاز بیشتر باشد، به معنای بی‌ثباتی اقتصادی بیشتر است.

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش انتخاب متغیرهای کنترلی بر اساس یافته‌های پژوهش‌های قبلی بوده است که نشان داده‌اند این متغیرها بر محیط گزارشگری مالی و مدیریت سود تأثیر زیادی داشته‌اند. این متغیرها به دو گروه متغیرهای حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های شرکتی تقسیم می‌شوند که به شرح زیر هستند:

استقلال هیئت مدیره (BI): نسبت تعداد مدیران غیرموظف به تعداد اعضای هیئت مدیره؛ یافته‌های خلیل و اوزکان (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که استقلال هیئت مدیره، نقش مهمی در ارتقای کیفیت گزارشگری و کاهش مدیریت سود داشته است.

دوگانگی نقش مدیرعامل (CD): یک متغیر دوگانه بوده و اگر مدیرعامل شرکت همزمان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره نیز باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد. نتایج پژوهش سلیمان و عبدالسلام (۲۰۱۳) و ژانگ و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که دوگانگی مدیرعامل منجر به افزایش کیفیت گزارش‌های مالی و حسابرسی شده است.

سرمایه‌گذاران نهادی (IO): درصد مالکیت سهامداران نهادی در سهام شرکت؛ سهامداران نهادی به دلیل حجم سرمایه‌گذاری آن‌ها در سهام شرکت‌ها، معمولاً از نظارت قوی برخوردار هستند. نظارت و قدرت نفوذ آن‌ها می‌تواند فضای گزارشگری شرکت و به تبع آن کیفیت گزارش‌های مالی و مدیریت سود را تحت تأثیر قرار دهد. این مهم از طریق دو تئوری نظارت کارا و همگرایی منافع امکان‌پذیر می‌باشد. طبق تئوری نظارت کارآمد، سهامداران نهادی به دلیل نفوذ و قدرتی که دارند، می‌توانند در راستای منافع کلی سهامداران نظارت بهینه و کارایی داشته (دریائی و فتاحی، ۲۰۲۰) که این وضعیت بدون شک کیفیت گزارش‌های مالی آن‌ها را بالا می‌برد. از طرف دیگر، طبق تئوری همگرایی منافع، این سهامداران امکان دارد به دلیل قدرتی که دارند با مدیران همکار شده و منافع شخصی خود را دنبال کنند (دریائی و فتاحی، ۱۳۹۹) که این وضعیت می‌تواند گزارشگری شرکت را در بلندمدت تحت تأثیر منفی قرار داده و در نهایت مدیریت سود نیز افزایش یابد.

مالکیت مدیریتی (MO): درصد مالکیت مدیران در سهام شرکت؛ مالکیت مدیران در سهام شرکت‌ها می‌تواند دو جنبه داشته باشد. بدین صورت که اگر مدیران به دلیل قدرت و نفوذی که به خاطر مالکیت در سهام شرکت کسب می‌کنند، توانایی تصمیم‌گیری بیشتری در شرکت داشته و فضای گزارشگری را به نفع خود تغییر دهند (سیتانگانگ^{۴۸} و همکاران، ۲۰۲۰). با این حال، این امکان نیز وجود دارد که مالکیت مدیریتی به‌عنوان یک ابزار انگیزشی بتواند مدیران را در

راستای منافع همه ذینفعان تحریک کند و از این طریق مطلوبیت نهایی خود را بیشتر افزایش دهد (تاریگان و همکاران، ۲۰۲۲).

متغیرهای ویژگی شرکت‌ها شامل اندازه شرکت، بازده دارایی‌ها، اهرم مالی، سن شرکت، ارزش بازار شرکت است که به شرح زیر می‌باشند:

اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها در پایان سال مالی؛ آرووا و ابراهیم (۲۰۲۰) به این نتیجه دست یافتند که اندازه شرکت با مدیریت سود رابطه معکوسی دارد. یعنی شرکت‌های بزرگ‌تر به دنبال حفظ حسن شهرت خود بوده و بنابراین، گزارش‌های باکیفیتی ارائه داده و سعی دارند گزارش‌های مالی آن‌ها دارای کیفیت بالایی باشد.

بازده دارایی‌ها (ROA): نسبت سود یا زیان عملیاتی به مجموع دارایی‌ها؛ ویجایا (۲۰۲۲) نشان داد که رابطه معکوسی بین سودآوری شرکت و مدیریت سود وجود دارد.

اهرم مالی (LEV): نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها در پایان سال مالی؛ فان (۲۰۲۲) در پژوهشی نشان داد شرکت‌های که اهرم مالی بالاتری دارند، مدیریت سود آن‌ها بیشتر است. ارزش بازار به ارزش دفتری (MB): نسبت ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری حقوق مالکانه. یافته‌های ویجایا (۲۰۲۲) بیان می‌کنند که ارزش سهام شرکت‌ها در بازار، رابطه معکوسی با مدیریت سود دارد. به این صورت که شرکت‌های دارای ارزش بالاتر در بازار سرمایه، به دنبال حفظ ارزش خود در بازار بوده و بنابراین، همواره گزارش‌های مالی باکیفیتی تهیه کرده و به تبع آن مدیریت سود آن‌ها کاهش می‌یابد.

سن شرکت (Age): تعداد سال‌های حضور شرکت در بورس (از زمان پذیرش آن در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان دوره زمانی پژوهش). کالبونا و همکاران (۲۰۲۲) سن شرکت را به‌عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر مدیریت سود و گزارشگری مالی نام برده‌اند.

مدل و متغیرهای آزمون فرضیه اصلی دوم

برای آزمون فرضیه سوم از مدل ۷ به شرح زیر استفاده می‌شود:

مدل (۱۰)

$$REM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MacroInstab_t + \beta_2 Governance_indicators_{i,t} + \beta_3 MacroInstab * Governance_indicators_{i,t} + \beta_{3-n} \sum Controls_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

همچنین، برای آزمون فرضیه فرعی چهارم از مدل ۸ به شرح زیر استفاده می‌شود.

مدل (۱۱)

$$AEM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MacroInstab_t + \beta_2 Governance_indicators_{i,t} + \beta_3 MacroInstab * Governance_indicators_{i,t} + \beta_{3-n} \sum Controls_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته در این دو مدل مدیریت سود تعهدی (AEM) و مدیریت سود واقعی (REM) هستند که قبلاً تعریف عملیاتی شده‌اند.

متغیر مستقل

متغیر مستقل در این پژوهش بی ثباتی اقتصادی کلان است که قبلاً تعریف عملیاتی شده است.

متغیر تعدیلی

متغیر تعدیلی در پژوهش حاضر، شاخص‌های حکمرانی خوب (Good Governance indicators) است که شامل پاسخگویی و حق اظهارنظر، ثبات سیاسی و نبود خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قانون‌گذاری، حاکمیت قانون و مهار فساد است. عدد مربوط به این شاخص‌ها را بانک جهانی به صورت جداگانه و برای هر کشور سالانه ارائه می‌دهد. بنابراین، برای جمع‌آوری این شاخص‌ها از طریق بانک جهانی اقدام می‌شود و سپس از میانگین این شاخص‌ها به عنوان میانگین شاخص حکمرانی خوب استفاده می‌شود. (ستایش و دریائی، ۲۰۱۷).
(<https://databank.worldbank.org/source/worldwide-governance-indicators>)

۴- یافته‌ها

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است. میانگین مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی نزدیک به صفر است. با این وجود، میانگین این دو متغیر بسیار به هم نزدیک هستند که بیانگر بکارگیری مشابه هر دو روش توسط شرکت‌ها است. امتیاز بی ثبات اقتصادی ۲/۴۲۸ است. میانگین شاخص حکمرانی خوب ایران ۱/۱۰۷- است که بیانگر مقدار مناسبی نیست و نسبت به کشورهای توسعه یافته بسیار پایین است. نسبت مدیران غیرموظف در شرکت‌های ایرانی ۶۱ درصد است. همچنین، نسبت مالکیت نهادی ۳۴ درصد و نسبت مالکیت مدیریتی ۵۷ درصد است. بالا بودن نسبت مالکیت مدیریتی در شرکت‌های ایرانی می‌تواند تا حدودی منافع سهامداران خرد را محدود کند. میانگین اندازه شرکت ۱۴/۵۷۲ است. متوسط بازده دارایی‌ها در این شرکت‌ها ۰/۱۶۳ است. میانگین اهرم مالی که نسبت بدهی را نشان می‌دهد، ۵۵ درصد است که فزونی بدهی‌ها بر حقوق مالکانه را نشان می‌دهد. میانگین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری ۶/۱۵۸ است. این نسبت بیانگر تفاوت زیاد بین ارزش بازار و ارزش دفتری شرکت‌ها است. متوسط لگاریتم طبیعی سن شرکت‌های نمونه پژوهش ۲/۸۱۵ است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تقریباً ۲۸ درصد از مدیران عامل شرکت‌ها دارای نقش دوگانه هستند.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	مشاهدات
مدیریت سود تعهدی	AEM	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۸۹	۲/۷۸۴۵	-۰/۶۴۸۲	-۰/۱۷۴۴	۲۲۸۲
مدیریت سود واقعی	REM	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۱۲۳	۱/۷۲۴۸	-۰/۹۱۴۳	-۰/۲۰۳۳	۲۲۸۲
عدم ثبات اقتصادی	MACROINS	۲/۴۲۸۸	۳/۰۰۰۰	۴/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۰	-۰/۹۷۹۸	۲۲۸۲
	TAB						
شاخص حکمرانی خوب	GG	-۱/۱۰۷۰	-۱/۱۲۱۴	-۰/۸۴۵۷	-۱/۲۷۹۲	-۰/۱۴۳۱	۲۲۸۲
مدیران غیرموظف	BI	-۰/۶۱۰۴	-۰/۶۰۰۰	۱/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۰	-۰/۲۲۶۴	۲۲۸۲
مالکیت نهادی	IO	۰/۳۴۶۸	۰/۲۸۲۳	۰/۹۸۹۳	-۰/۰۰۰۰	۰/۳۰۶۳	۲۲۸۲
مالکیت مدیریتی	MO	۰/۵۷۰۸	۰/۶۵۰۰	۰/۹۹۴۳	-۰/۰۰۰۰	-۰/۲۸۵۹	۲۲۸۲
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۵۷۲۴	۱۴/۳۳۵۴	۲۱/۵۷۱۷	۱۰/۰۳۱۲	۱/۷۹۰۸	۲۲۸۲
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۶۳۴	۰/۱۳۷۱	۰/۸۴۲۲	-۰/۶۱۳۷	-۰/۱۴۸۴	۲۲۸۲
اهرم مالی	LEV	۰/۵۵۲۰	۰/۵۵۹۰	۲/۰۷۷۵	-۰/۰۱۲۷	-۰/۲۲۳۰	۲۲۸۲
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	۶/۱۵۸۸	۳/۶۰۶۴	۲۶/۷۵۶۱	-۰/۸۱۹۹	۶/۶۶۲۲	۲۲۸۲
سن شرکت	AGE	۲/۸۱۵۶	۲/۸۹۰۴	۴/۱۸۹۷	-۰/۰۰۰۰	-۰/۵۱۰۹	۲۲۸۲
دوگانگی نقش مدیرعامل	CD	-	-	۱	-	-	۶۴۸
							۱۶۳۴

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های استنباطی

آزمون‌های پیش‌فرض رگرسیون

قبل از تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها، مانایی متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون لوین، لین و چو مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که همه متغیرها در سطح خطای ۱ درصد مانا هستند. همچنین، آزمون همخطی مدل‌های پژوهش نشان داد که عامل تورم واریانس برای مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ می‌باشد. بنابراین، بین متغیرهای توضیحی، هم‌خطی شدیدی وجود ندارد. در ادامه برای تعیین الگوی برآورد از آزمون لیمر و هاسمن استفاده شد و نتایج نشان داد که برای برازش مدل‌های پژوهش از داده‌های تابلویی به روش اثرات ثابت استفاده می‌شود. علاوه بر این، به منظور بررسی ناهمسانی واریانس باقیمانده‌های مدل پژوهش از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج حاکی از عدم وجود ناهمسانی واریانس است.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول

فرضیه فرعی اول

ضریب برآوردی و سطح معناداری متغیر مستقل (عدم ثبات اقتصادی) 0.002 و سطح خطای معناداری 0.05 را نشان می‌دهد که بیانگر عدم تأثیرگذاری ثبات اقتصادی در محیط اقتصادی ایران بر مدیریت سود واقعی است. به عبارتی، عدم ثبات اقتصادی در این محیط تأثیری بر مدیریت سود واقعی در شرکت‌های ایرانی نداشته است. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که شرکت‌های ایرانی در زمان عدم ثبات اقتصادی از روش واقعی اقدام به مدیریت سود نکرده‌اند و روش‌های دیگری را انتخاب کرده‌اند. بر این اساس فرضیه فرعی اول تأیید نمی‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

متغیر	نماد	پیش‌بینی	ضریب	انحراف معیار	آماره	سطح معناداری
عدم ثبات اقتصادی	MACROINSTAB	+	۰/۰۰۲۰	۰/۰۰۳۰	۰/۶۷۰۸	۰/۵۰۲۴
مدیران غیرموظف	BI	-/+	۰/۰۲۵۹	۰/۰۲۵۴	۱/۰۲۱۳	۰/۳۰۷۲
دوگانگی نقش مدیرعامل	CD	-/+	۰/۰۰۳۲	۰/۰۰۸۴	۰/۳۸۲۰	۰/۷۰۲۵
مالکیت نهادی	IO	-/+	۰/۰۰۸۳	۰/۰۱۷۷	۰/۴۶۸۹	۰/۶۳۹۲
مالکیت مدیریتی	MO	-/+	۰/۰۰۰۹	۰/۰۱۲۰	۰/۰۷۹۱	۰/۹۳۷۰
اندازه شرکت	SIZE	-	۰/۰۱۳۰	۰/۰۰۴۸	۲/۷۲۲۷	۰/۰۰۶۵
بازده دارایی‌ها	ROA	+	۰/۱۱۳۵	۰/۰۳۳۲	۳۳/۵۷۱۶	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	+	۰/۰۲۹۶	۰/۰۲۴۰	۱/۲۳۰۲	۰/۲۱۸۸
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	-	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۵	۰/۹۳۶۵	۰/۳۴۹۱
سن شرکت	AGE	-	۰/۰۱۱۴	۰/۰۱۴۶	۰/۷۸۵۹	۰/۴۳۲۰
ضریب تعیین			۰/۴۶۲			
آماره F			۱۰/۶۰۸			
آماره دوربین واتسون			۱/۷۱۵			

فرضیه فرعی دوم

ضریب برآوردی و سطح معناداری متغیر مستقل (عدم ثبات اقتصادی) $۰/۰۰۶$ و سطح خطای معناداری $۰/۰۱۷$ را نشان می‌دهد که بیانگر تأثیرگذاری مثبت و معنادار ثبات اقتصادی در محیط اقتصادی ایران بر مدیریت سود تعهدی است. به عبارتی، عدم ثبات اقتصادی در این محیط مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های ایرانی را افزایش داده است. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که شرکت‌های ایرانی در زمان عدم ثبات اقتصادی از روش تعهدی اقدام به مدیریت سود کرده‌اند. بنابراین، فرضی فرعی دوم تأیید می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

متغیر	نماد	پیش‌بینی	ضریب	انحراف معیار	آماره	سطح معناداری
عدم ثبات اقتصادی	MACROINSTAB	+	۰/۰۰۶۸	۰/۰۰۲۹	۲/۳۸۴۰	۰/۰۱۷۲
مدیران غیرموظف	BI	-/+	۰/۰۳۱۹	۰/۰۲۴۴	۱/۳۰۶۴	۰/۱۹۱۶
دوگانگی نقش مدیرعامل	CD	-/+	۰/۰۱۷۲	۰/۰۰۸۴	۲/۰۵۴۷	۰/۰۴۰۰
مالکیت نهادی	IO	-/+	۰/۰۰۱۴	۰/۰۱۵۱	۰/۰۹۱۲	۰/۹۲۷۳
مالکیت مدیریتی	MO	-/+	۰/۰۰۳۳	۰/۰۱۱۲	۰/۲۹۳۴	۰/۷۶۹۲
اندازه شرکت	SIZE	-	۰/۰۳۸۴	۰/۰۰۴۵	۸/۴۷۱۲	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	+	۰/۱۶۴۶	۰/۰۳۱۳	۵/۲۶۱۷	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	+	۰/۰۵۴۹	۰/۰۲۲۲	۲/۴۷۰۲	۰/۰۱۳۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	-	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۴	۱/۸۴۵۸	۰/۰۶۵۱
سن شرکت	AGE	-	۰/۰۱۵۵	۰/۰۱۲۵	۱/۲۴۰۵	۰/۲۱۴۹
ضریب تعیین			۰/۸۴۷			
آماره F			۱۲/۱۳۵			
آماره دوربین واتسون			۱/۷۲۷			

بر اساس این یافته‌ها می‌توان گفت که فرضیه اول تأیید می‌شود. بدین صورت که عدم ثبات اقتصادی منجر به افزایش مدیریت سود تعهدی شده است. به عبارتی عدم ثبات اقتصادی مدیریت سود تعهدی را افزایش داده است.

فرضیه فرعی سوم

یافته‌های حاصل از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که حکمرانی خوب توانسته است رابطه بین عدم ثبات اقتصادی و مدیریت سود واقعی را تعدیل کند. بدین صورت که تعامل شاخص

بی‌ثباتی اقتصاد کلان، شاخص‌های حکمرانی خوب و مدیریت سود در بازار سرمایه ایران/۱۴۹

حکمرانی خوب با عدم ثبات اقتصادی باعث شده است که مدیریت سود واقعی کاهش پیدا کند. این یافته‌ها به نتایج و تأثیرگذاری مطلوب حکمرانی خوب اشاره دارد. بر این اساس می‌توان گفت که حکمرانی خوب می‌تواند اثرات منفی عدم ثبات اقتصادی بر محیط گزارشگری مالی تعدیل کند.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه فرعی سوم

متغیر	نماد	پیش‌بینی	ضریب	انحراف معیار	آماره	سطح معناداری
عدم ثبات اقتصادی	MACROINSTAB	+	۰/۰۶۵۹	۰/۰۲۹۶	۲/۲۲۵۳	۰/۰۲۶۲
شاخص حکمرانی خوب	GG	-	-۰/۰۲۶	-۰/۰۶۶۴	-۱/۵۴۵۴	-۰/۱۲۲۴
تعامل عدم ثبات اقتصادی با شاخص حکمرانی خوب	GG* MACROINSTAB	-	-۰/۰۵۴۴	-۰/۰۲۴۸	-۲/۱۹۲۸	-۰/۰۲۸۴
مدیران غیرموظف	BI	-/+	-۰/۰۲۶۸	-۰/۰۲۴۲	۱/۱۰۹۸	-۰/۲۶۷۲
دوگانگی نقش مدیرعامل	CD	-/+	-۰/۰۰۳۹	-۰/۰۰۸۲	۰/۴۷۲۹	-۰/۶۳۶۳
مالکیت نهادی	IO	-/+	-۰/۰۰۷۹	-۰/۰۱۶۲	-۰/۴۸۶۹	-۰/۶۲۶۴
مالکیت مدیریتی	MO	-/+	-۰/۰۰۱۳	-۰/۰۱۲۱	-۰/۱۰۹۹	-۰/۹۱۲۵
اندازه شرکت	SIZE	-	-۰/۰۱۵۵	-۰/۰۰۵۱	۳/۰۲۲۷	-۰/۰۰۲۵
بازده دارایی‌ها	ROA	+	-۱/۰۹۶۲	-۰/۰۳۰۲	-	-۰/۰۰۰۰
					۳۶/۳۴۳۳	
اهرم مالی	LEV	+	۰/۰۳۱۴	۰/۰۲۰۹	۱/۵۰۵۰	-۰/۱۳۲۵
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	-	-۰/۰۰۰۷	-۰/۰۰۰۵	۱/۳۷۷۶	-۰/۱۶۸۵
سن شرکت	AGE	-	-۰/۰۲۶۳	-۰/۰۱۶۸	-۱/۵۶۴۸	-۰/۱۱۷۸
ضریب تعیین			۰/۴۶۵			
آماره F			۱۰/۵۲۳			
آماره دوربین واتسون			۱/۷۱۱			

فرضیه فرعی چهارم

همچنین، یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه فرعی چهارم نیز نشان می‌دهد که حکمرانی خوب توانسته است رابطه مثبت بین عدم ثبات اقتصادی و مدیریت سود تعهدی را تضعیف کند. بدین صورت که تعامل شاخص حکمرانی خوب با عدم ثبات اقتصادی باعث شده است که مدیریت سود تعهدی کاهش پیدا کند. این یافته‌ها به نتایج و تأثیرگذاری مطلوب حکمرانی خوب اشاره دارد. بر این اساس می‌توان گفت که حکمرانی خوب می‌تواند اثرات منفی عدم ثبات اقتصادی بر محیط گزارشگری مالی تعدیل کند.

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه فرعی چهارم

متغیر	نماد	پیش‌بینی	ضریب	انحراف معیار	آماره	سطح معناداری
عدم ثبات اقتصادی	MACROINSTAB	+	-۰/۰۹۰۹	-۰/۰۴۵۶	-۱/۹۹۳۰	-۰/۰۴۶۴
شاخص حکمرانی خوب	GG	-	۰/۱۲۶۹	۰/۱۰۲۷	۱/۲۳۶۰	-۰/۲۱۶۶
تعامل ثبات اقتصادی با شاخص حکمرانی خوب	GG* MACROINSTAB	-	-۰/۰۹۰۳	-۰/۰۳۸۲	-۲/۳۶۵۰	-۰/۰۱۸۱
مدیران غیرموظف	BI	-/+	-۰/۰۵۲۵	-۰/۰۳۷۶	-۱/۳۹۸۴	-۰/۱۶۲۱
دوگانگی نقش مدیرعامل	CD	-/+	۰/۰۱۵۱	-۰/۰۱۲۹	۱/۱۶۵۸	-۰/۲۴۳۸
مالکیت نهادی	IO	-/+	-۰/۰۰۷۴	-۰/۰۲۵۳	-۰/۲۹۱۶	-۰/۷۷۰۶
مالکیت مدیریتی	MO	-/+	-۰/۰۱۹۲	-۰/۰۱۷۴	-۱/۱۰۱۸	-۰/۲۷۰۷
اندازه شرکت	SIZE	-	۰/۰۴۵۹	-۰/۰۰۷۶	۶/۰۵۵۹	-۰/۰۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	+	-۰/۱۷۵۸	-۰/۰۴۲۶	-۴/۱۲۵۳	-۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	+	-۰/۱۰۱۶	-۰/۰۳۰۱	-۳/۳۷۳۶	-۰/۰۰۰۸
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	-	-۰/۰۰۱۱	-۰/۰۰۰۷	-۱/۶۱۹۶	-۰/۱۰۵۵
سن شرکت	AGE	-	-۰/۰۱۴۹	-۰/۰۲۴۱	-۰/۶۱۵۵	-۰/۵۳۸۳
ضریب تعیین			۰/۶۶۰			
آماره F			۹/۸۵۵			
آماره دوربین واتسون			۱/۸۴۲			

خلاصه نتایج

خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. خلاصه نتایج کسب شده از طریق آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	شرح فرضیه	شماره فرضیه
تأیید نمی‌شود.	سطح بی‌ثباتی کلان اقتصادی در محیط اقتصادی ایران با سطح مدیریت سود واقعی در شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد.	فرضیه فرعی اول
تأیید می‌شود.	سطح بی‌ثباتی کلان اقتصادی در محیط اقتصادی ایران با سطح مدیریت سود تعهدی در شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد.	فرضیه فرعی دوم
تعدیل می‌کند.	رابطه مثبت بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود واقعی توسط شاخص‌های حکمرانی خوب تعدیل می‌شود.	فرضیه فرعی سوم
تعدیل می‌کند.	رابطه مثبت بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود تعهدی توسط شاخص‌های حکمرانی خوب تعدیل می‌شود.	فرضیه فرعی چهارم

۵- نتیجه‌گیری و بحث

کشف و شناسایی صحیح عوامل تاثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی از دیدگاه گروه‌های مختلف، می‌تواند گزارش‌های مالی را به عنوان یک منبع مهم اطلاعاتی قابل اتکا برای استفاده‌کنندگان تبدیل کند. یکی از جنبه‌های مهم در کیفیت گزارشگری مالی که زیاد مورد بررسی قرار گرفته است، مدیریت سود است. یکی از عوامل مهمی که بر مدیریت سود و در کل بر محیط گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد، بی‌ثباتی در سطح اقتصاد کلان است که با وجود اهمیت بالای آن در محیط اقتصادی، پژوهش‌های کمتری به بررسی اثرات آن پرداخته‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر مدیریت سود و نقش تعدیل‌کننده محیط نهادی و حکمرانی در سطح کشور ایران پرداخت.

یافته‌ها نشان داد که عدم ثبات اقتصادی در محیط اقتصادی ایران بر مدیریت سود واقعی تأثیر نداشته است. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که شرکت‌های ایرانی در زمان عدم ثبات اقتصادی از روش واقعی اقدام به مدیریت سود نکرده‌اند و روش‌های دیگری را انتخاب کرده‌اند. با این حال، یافته‌ها نشان داد که عدم ثبات اقتصادی در این محیط مدیریت سود تعهدی را افزایش داده است. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که شرکت‌های ایرانی در زمان عدم ثبات اقتصادی از روش تعهدی اقدام به مدیریت سود کرده‌اند. بنابراین، فرضی فرعی دوم تأیید می‌شود. به طور کلی، این نتایج نشان می‌دهند که شرکت‌های ایرانی در شرایط عدم ثبات اقتصادی به شکل متفاوتی به مدیریت سود نگاه می‌کنند و تصمیم‌گیری‌هایشان در این زمینه تحت تأثیرات مختلف قرار می‌گیرد. در دستکاری تعهدی، مدیران قضاوت و ذهنیت خود را با انتخاب حسابداری در گزارش‌های مالی معرفی می‌کنند، از این رو می‌تواند عملکرد عملیاتی شرکت را مخدوش کند. مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی زمانی اتفاق می‌افتد که ارقام تعهدی، تفاوت بین درآمد و گردش پول، بدون عواقب مستقیم جریان نقدی دستکاری شود. وجود روش‌ها یا استانداردهای مختلف حسابداری و گزارشگری فضایی را برای مدیران/حسابداران فراهم می‌کند تا هنگام

گزارش ارقام حسابداری از اختیارات خود استفاده کنند. بنابراین، مدیران در زمان عدم ثبات اقتصادی بیشتر سعی داشته‌اند از طریق روش‌های تعهدی اقدام به دستکاری سود کرده و آن را متناسب با اهداف خود مدیریت کنند و از طریق فعالیت‌های واقعی مانند دستکاری جریان نقدی حاصل از عملیات، هزینه‌های تولید و هزینه‌های اختیاری اقدام به مدیریت سود نکرده‌اند. این یافته‌ها همسو با نتایج ویانا و همکاران (۲۰۲۲) است. زیرا نتایج آنان حاکی از آن است که هنگام مواجهه با بی‌ثباتی بیشتر در اقتصاد کلان، شرکت‌های فعال در کشورهای توسعه‌یافته (بازارهای نوظهور) سطح مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی را کاهش می‌دهند (افزایش می‌دهند) و هر دو نوع کشور سطح مدیریت سود واقعی را کاهش می‌دهند.

از طرف دیگر، یافته‌ها نشان داد که حکمرانی خوب توانسته است رابطه بین عدم ثبات اقتصادی و مدیریت سود واقعی را تعدیل کند. بدین صورت که تعامل شاخص حکمرانی خوب با عدم ثبات اقتصادی باعث شده است که مدیریت سود واقعی کاهش پیدا کند. علاوه بر این، بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی خوب توانسته است رابطه مثبت بین عدم ثبات اقتصادی و مدیریت سود تعهدی را تضعیف کند. بدین صورت که تعامل شاخص حکمرانی خوب با عدم ثبات اقتصادی باعث شده است که مدیریت سود تعهدی کاهش پیدا کند. این یافته‌ها به نتایج و تأثیرگذاری مطلوب حکمرانی خوب اشاره دارد. بر این اساس می‌توان گفت که حکمرانی خوب می‌تواند اثرات منفی عدم ثبات اقتصادی بر محیط گزارشگری مالی تعدیل کند. بر اساس این یافته‌ها می‌توان گفت که اگر قوانین کشور به طور مؤثر اجرا شود، فساد کاهش می‌یابد، بی‌ثباتی سیاسی کنترل می‌شود و نهادهای سیاسی سیاستمداران و نخبگان سیاسی را محدود می‌کنند و رفتار حساس مدیران به متغیرهای خارجی که در نهایت ممکن است بر تصمیمات و انتخاب‌های آن‌ها در مورد دستکاری سود تأثیر بگذارد، تحت تأثیر قرار دهد. به طور کلی، این یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی خوب می‌تواند به عنوان یک مکمل موثر در مقابله با تأثیرات منفی عدم ثبات اقتصادی بر محیط گزارشگری مالی عمل کند. این نتایج می‌توانند به مدیران و تصمیم‌گیران سازمانی کمک کنند تا استراتژی‌ها و رویکردهای بهینه برای مدیریت سود در شرایط پراکندگی و نامطمئن را اتخاذ کنند. این نتایج با یافته‌های ویانا و همکاران (۲۰۲۲) همسو است. زیرا آنان نشان دادند که ارتباط بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در کشورهایی دارای شاخص‌های حکمرانی خوب بهتر، ضعیف‌تر است.

بر اساس این یافته‌ها پژوهش حاضر پیشنهادات زیر را ارائه می‌دهد:

افزایش آگاهی حسابداران و مدیران سازمانی در زمینه تأثیرات عدم ثبات اقتصادی بر مدیریت سود و گزارشگری مالی می‌تواند کمک بزرگی به بهبود کیفیت گزارش‌های مالی و تصمیم‌گیری درست از سوی استفاده‌کنندگان کند. برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی می‌تواند این هدف را تحقق بخشد.

پژوهشگران می‌توانند بررسی کنند که چگونه شرکت‌های ایرانی در شرایط عدم ثبات اقتصادی تصمیمات خود را در زمینه مدیریت سود چگونه می‌گیرند. این بررسی می‌تواند به نحوه انتخاب روش‌های تعهدی یا واقعی توسط شرکت‌ها در این شرایط کمک کند.

باتوجه به اینکه شرایط عدم ثبات اقتصادی ممکن است به دستکاری گزارش‌های مالی توسط شرکت‌ها منجر شود، توسعه استانداردهای حسابداری و گزارشگری برای مدیریت اثرات جانبی این شرایط بسیار حیاتی است. پژوهشگران می‌توانند در این زمینه فعالیت کنند و استانداردهایی ارائه دهند که مدیران را در ارائه گزارش‌های مالی دقیق و قابل اطمینان در شرایط نامطمئن یاری کند.

بر اساس یافته‌ها، حکمرانی خوب تأثیر مثبتی بر تعدیل اثرات منفی عدم ثبات اقتصادی بر مدیریت سود دارد. پژوهشگران حسابداری می‌توانند به بررسی عمیق‌تر نقش ابزارها و مکانیسم‌های حکمرانی خوب در سازمان‌ها پرداخته و مدل‌هایی ارائه کنند که بهبود مدیریت سود در شرایط عدم ثبات اقتصادی را ترویج کند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود که تأثیر بی‌ثباتی محیط اقتصادی بر روی همه مدل‌های مدیریت سود بررسی شده و نتایج با همدیگر مقایسه شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود تأثیر ویژگی‌های شرکت بر روی رابطه مذکور بررسی شود. بدین صورت که رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان جداگانه در شرکت‌های بزرگ و کوچک و همچنین شرکت‌های دارای سن بالا و سن کمتر بررسی شود. زیرا، ممکن است شرکت‌های دارای اندازه بزرگ‌تر و سن بالاتر، واکنش متفاوتی در برابر شوک‌های محیط اقتصادی داشته باشند. بزرگ‌ترین محدودیت پژوهش حاضر، دسترسی به اطلاعات مورد نیاز جامعه آماری است که بر این اساس، تعداد نمونه پژوهش بسیار کاهش پیدا کرد.

یادداشت‌ها

- | | |
|--|---------------------------|
| 1. Balios | 25. Liao |
| 2. Arthur | 26. Bhagat |
| 3. Filip & Raffournier | 27. Djankov |
| 4. Kousenidis | 28. Preiato |
| 5. Trombetta & Imperatore | 29. Griffiths and Zammuto |
| 6. Viana | 30. Cariolle & Goujon |
| 7. International Monetary Fund | 31. Gurtner |
| 8. Skorobogatova | 32. Loayza |
| 9. Martins & Barros | 33. Pong |
| 10. Arnold | 34. Jenkins |
| 11. Securities and Exchange Commission | 35. Gao |
| 12. Ernst & Young | 36. Chien & Thanh |
| 13. Durnev & Kim | 37. Beeri |
| 14. García & Noguera | 38. Al - Hemiary |
| 15. Skorobogatova | 39. Khan |
| 16. Cariolle & Goujon | 40. Giao |
| 17. United Nations | 41. Bushman & Piotroski |

18. International Monetary Fund
19. Schipper
20. Scott
21. Febrianti
22. Religiosa and Surjandari
23. Al Saedi
24. Charitou

42. Ball
43. Ellahie & Kaplan
44. Acemoglu
45. Roychowdhury
46. Kashmiri
47. McNichols
48. Sitanggang

کتابنامه

- آشتاب، علی و دهقان، بیتا. (۱۴۰۲). تاثیر گزارشگری یکپارچه بر کیفیت سود با تاکید بر هزینه‌های نمایندگی. *دانش حسابداری مالی*، ۱۰(۲): ۹۷-۱۱۷.
- باغومیان، رافیک؛ محمدی، حجت و طاهری، منصور. (۱۳۹۶). رکود اقتصادی و مدیریت سود. *حسابداری مدیریت*، ۱۰(۳۲): ۲۹-۴۲.
- دريائی، عباسعلی و فتاحی، یاسین. (۱۳۹۹). مقاله پژوهشی: مالکیت عمده و نقدشوندگی سهام: کاربردی از الگوی رگرسیون انتقال هموار تابلویی. *راهبرد مدیریت مالی*، ۸(۳): ۶۳-۸۶.
- شفیعی، سارا؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ کردلوئی، حمیدرضا؛ شاهوردیانی، شادی و قاسمی، مازیار. (۱۴۰۱). بررسی مدیریت سود واقعی در آستانه مقادیر حساس سود. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۱(۴۱): ۲۲۹-۲۴۲.
- صبری نرگس؛ ابراهیمی عباس و کشاورز، مصیب. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر تغییر رفتار مدیریتی مدیران با توجه به متغیر میانجی ریسک درونی و بیرونی. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۶(۲۰): ۲۲۱۸-۲۲۳۳.
- عبدالهی، امیرحسین؛ هنرمندی، زهرا و زارعی، سمیر. (۱۴۰۲). تاثیر عدم قطعیت اقتصادی بر سودآوری و قابلیت پیش بینی سود در بانکهای بورس اوراق بهادار تهران. *چشم انداز حسابداری و مدیریت*، ۶(۸۰): ۲۲۲-۲۳۹.
- محنت فر، یوسف؛ عثمانی، فریبا؛ چشمی، مهدی و آرغا، لیلا. (۱۴۰۲). آیا توسعه فناوری و گسترش تجارت سبب کاهش ردیای اکولوژیکی می‌شود؟ مطالعه موردی: شواهدی از کشورهای در حال توسعه. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۴(۵۳): ۹۷-۱۱۰.
- نصیری الموتی، حدیثه؛ مهرآذین، علیرضا؛ مسیح آبادی، ابوالقاسم و حیدری، محمد. (۱۴۰۲). انتخاب‌های حسابداری افزاینده یا کاهنده سود: با تأکید بر نقش اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی. *دانش حسابداری مالی*، ۱۰(۴): ۸۱-۱۰۱.

References

- Abdollahi, A. H., Honarmandi, Z., & Zarei, S. (2023). The effect of economic uncertainty on profitability and profit predictability in Tehran Stock Exchange banks. *Journal of Accounting and Management Vision*, 6(80), 222-239. (In Persian)
- Acemoglu, D., Johnson, S., Robinson, J., & Thaicharoen, Y. (2003). Institutional causes, macroeconomic symptoms: volatility, crises and growth. *Journal of monetary economics*, 50(1), 49-123.

- Al Saedi, A. A. (2018). Earnings management and its relationship with stock returns: an empirical study on a sample of Qatari listed industrial companies. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 22(5), 1-12.
- Al-Hemiary, N. J. (2010). *The Local Management Role in Social Development in Yemen*. Doctoral dissertation, The National Management School, Rabat, Morocco. unpublished.
- Arnold, P. J. (2009). Global financial crisis: The challenge to accounting research. *Accounting, organizations and Society*, 34(6-7), 803-809.
- Arthur, N., Tang, Q., & Lin, Z. S. (2015). Corporate accruals quality during the 2008–2010 Global Financial Crisis. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 25, 1-15.
- Aruwa, S. A. S., Ibrahim, H., & Banai, G. (2020). Effect of firm characteristics on audit quality of listed oil and gas companies in nigeria. *Nsuk Journal of Administration*, 12(1).
- Ashtab, A., & Dehghan, B. (2023). The Effect of Integrated Reporting on Earnings Quality with Emphasis on Agency Costs. *Financial Accounting Knowledge*, 10(2), 97-117. (In Persian)
- Balios, D., Sdrolias, A., & Thanos, I. (2020). Earnings Management in State-Owned Enterprises in a Period of Macroeconomic Instability. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 16(6), 237-253.
- Ball, R., Robin, A., & Wu, J. S. (2003). Incentives versus standards: properties of accounting income in four East Asian countries. *Journal of accounting and economics*, 36(1-3), 235-270.
- Beeri, I., Uster, A., & Vigoda-Gadot, E. (2019). Does performance management relate to good governance? A study of its relationship with citizens' satisfaction with and trust in Israeli local government. *Public Performance & Management Review*, 42(2), 241-279.
- Bertomeu, J., Darrrough, M., & Xue, W. (2017). Optimal conservatism with earnings manipulation. *Contemporary Accounting Research*, 34(1), 252-284.
- Bhagat, S., Malhotra, S., & Zhu, P. (2011). Emerging country cross-border acquisitions: Characteristics, acquirer returns and cross-sectional determinants. *Emerging markets review*, 12(3), 250-271.
- Bushman, R. M., & Piotroski, J. D. (2006). Financial reporting incentives for conservative accounting: The influence of legal and political institutions. *Journal of accounting and economics*, 42(1-2), 107-148.
- Cariolle, J., & Goujon, M. (2015). Measuring macroeconomic instability: A critical survey illustrated with exports series. *Journal of economic surveys*, 29(1), 1-26.
- Charitou, A., Lambertides, N., & Trigeorgis, L. (2007). Earnings behaviour of financially distressed firms: The role of institutional ownership. *Abacus*, 43(3), 271-296.

- Chen, K. C., Chen, Z., & Wei, K. J. (2009). Legal protection of investors, corporate governance, and the cost of equity capital. *Journal of corporate finance*, 15(3), 273-289.
- Chien, N. B., & Thanh, N. N. (2022). The impact of good governance on the people's satisfaction with public administrative services in Vietnam. *Administrative Sciences*, 12(1), 35.
- Choi, J. H., Kim, J. B., & Lee, J. J. (2011). Value relevance of discretionary accruals in the Asian financial crisis of 1997–1998. *Journal of Accounting and Public Policy*, 30(2), 166-187.
- Cui, X., Yao, S., Fang, Z., & Wang, H. (2021). Economic policy uncertainty exposure and earnings management: Evidence from China. *Accounting & Finance*, 61(3), 3937-3976.
- Daryaei, A. A., & Fattahi, Y. (2020). Blockholders Ownership and Liquidity: Panel Smooth Transition Regression Model. *Financial Management Strategy*, 8(3), 63-86. (In Persian)
- Daryaei, A. A., & Fattahi, Y. (2020). The asymmetric impact of institutional ownership on firm performance: panel smooth transition regression model. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 20(7), 1191-1203.
- Davoodi, H. R., Montiel, P., & Ter-Martirosyan, A. (2021). Macroeconomic Stability and Inclusive Growth. *International Monetary Fund, Working Paper*, (2021/081).
- DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of accounting and economics*, 3(3), 183-199.
- Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *Accounting review*, 193-225.
- Djankov, S., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., & Shleifer, A. (2008). The law and economics of self-dealing. *Journal of financial economics*, 88(3), 430-465.
- Durnev, A., & Kim, E. H. (2005). To steal or not to steal: Firm attributes, legal environment, and valuation. *The Journal of finance*, 60(3), 1461-1493.
- Ellahie, A., & Kaplan, Z. (2021). Show me the money! Dividend policy in countries with weak institutions. *Journal of Accounting Research*, 59(2), 613-655.
- Ernst & Young. (2018). *Integrity in the spotlight: The future of compliance*. 15th global fraud survey. https://assets.ey.com/content/dam/ey/sites/eycom/en_gl/topics/assurance/assurance-pdfs/ey-integrity-in-spotlight.pdf.
- Febrianti, F. D., Sugiyanto, S., & Fitria, J. R. (2020). Green Intellectual Capital Conservatism Earning Management, To Future Stock Return As Moderating Stock Return (Study Of Mining Companies In Indonesia Listed On Idx For The Period Of 2014-2019). *The Accounting Journal Of Binaniaga*, 5(2), 141-154.

- Filip, A., & Raffournier, B. (2014). Financial crisis and earnings management: The European evidence. *The International Journal of Accounting*, 49(4), 455-478.
- Flores, E., Weffort, E. F. J., da Silva, A. F., & Carvalho, L. N. G. (2016). Earnings management and macroeconomic crises: Evidences from Brazil and USA capital markets. *Journal of Accounting in Emerging Economies*.
- Gao, C., Zuzul, T., Jones, G., & Khanna, T. (2017). Overcoming institutional voids: A reputation-based view of long-run survival. *Strategic Management Journal*, 38(11), 2147-2167.
- García-Sánchez, I. M., & Noguera-Gámez, L. (2018). Institutional investor protection pressures versus firm incentives in the disclosure of integrated reporting. *Australian Accounting Review*, 28(2), 199-219.
- Giao, C. V. (2021). Good governance and problems for state management in Vietnam. *State Organization Journal* 2, 48–58.
- Griffiths, A., & Zammuto, R. F. (2005). Institutional governance systems and variations in national competitive advantage: an integrative framework. *Academy of Management Review*, 30(4), 823-842.
- Gurtner, B. (2010). The financial and economic crisis and developing countries. *International Development Policy/ Revue internationale de politique de développement*, (1), 189-213.
- Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting horizons*, 13(4), 365-383.
- International Monetary Fund. IMF. (2020). *How the IMF Promotes Global Economic Stability*.
<https://www.imf.org/en/About/Factsheets/Sheets/2016/07/27/15/22/How-the-IMFPromotes-Global-Economic-Stability>.
- Jenkins, D. S., Kane, G. D., & Velury, U. (2009). Earnings conservatism and value relevance across the business cycle. *Journal of Business Finance & Accounting*, 36(9-10), 1041-1058.
- Jones, J. J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of accounting research*, 29(2), 193-228.
- Kalbuana, N., Suryati, A., & Pertiwi, C. P. A. (2022). Effect of Company Age, Audit Quality, Leverage and Profitability on Earnings Management. *International Journal of Economics, Business and Accounting Research (IJEBAR)*, 6(1).
- Kashmiri, H. (2014). *Testing accruals-based earnings management models in an international context: a thesis presented in partial fulfilment of the requirements for the degree of Master of Business Studies in Accountancy at Massey University, Albany, New Zealand* (Doctoral dissertation, Massey University).
- Kaszniak, R. (1999). On the association between voluntary disclosure and earnings management. *Journal of accounting research*, 37(1), 57-81.

- Khalil, M., & Ozkan, A. (2016). Board independence, audit quality and earnings management: Evidence from Egypt. *Journal of Emerging Market Finance, 15*(1), 84-118.
- Khan, M. H. (2009). Governance, growth and poverty reduction. *Poor Poverty, 61*.
- Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of accounting and economics, 39*(1), 163-197.
- Kousenidis, D. V., Ladas, A. C., & Negakis, C. I. (2013). The effects of the European debt crisis on earnings quality. *International Review of Financial Analysis, 30*, 351-362.
- Liao, Y., Chi, W., & Chen, Y. (2013). Auditor economic dependence and accounting conservatism: Evidence from a low litigation risk setting. *International Journal of Auditing, 17*(2), 117-137.
- Loayza, N. V., Ranciere, R., Servén, L., & Ventura, J. (2007). Macroeconomic volatility and welfare in developing countries: An introduction. *The World Bank Economic Review, 21*(3), 343-357.
- McNichols, M. F. (2002). Discussion of the quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The accounting review, 77*(s-1), 61-69.
- Mehnatfar, U., Osmani, F., Cheshomi, M., & Aghar, L. (2023). Do the development of technology and the expansion of trade reduce the ecological footprint? A case study: evidence from developing countries. *Economic Growth and Development Research, 14*(53), 110-97. (In Persian)
- Moghaddam, A., & Abbaspour, N. (2017). The effect of leverage and liquidity ratios on earnings management and capital of banks listed on the Tehran Stock Exchange. *International Review of Management and Marketing, 7*(4), 99-107.
- Nasiri Alamoti, H., Mehrazeeen, A., Masih abadi, A., & Heydari, M. (2023). Earnings Increasing or Decreasing Accounting choices: with emphasis on the role of firm size and corporate governance. *Financial Accounting Knowledge, 10*(4), 81-101. (In Persian)
- Phan A. N. M. P. (2022). The impact of financial leverage and audit quality on firm performance: the case of listed firms in Vietnam. *Journal of Southwest Jiaotong University, 57*(3).
- Pong, C., Chia, Y. M., Lapsley, I., & Lee, H. W. (2007). Choice of auditors and earnings management during the Asian financial crisis. *Managerial Auditing Journal, 22*(2), 177- 196. <https://doi.org/10.1108/02686900710718672>.
- Preiato, J., Brown, P., & Tarca, A. (2015). A comparison of between-country measures of legal setting and enforcement of accounting standards. *Journal of Business Finance & Accounting, 42*(1-2), 1-50.
- Qaisaria, R., Salehi, A. K., & Ghobadic, S. (2023). Presenting and Explaining the Model of the Role of Behavioral Characteristics and Financial Literacy of Real Investors on Their Financial Management Components in the Iranian Capital

- Mar-ke. *Advances in Mathematical Finance and Application*, 8(4), 1371-1387.
- Religiosa, M. W & Surjandari, D. A. (2021). The Relation of Company Risk, Liquidity, Leverage, Capital Adequacy and Earning Management: Evidence from Indonesia Banking Companies. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 12(1), 1-15.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of accounting and economics*, 42(3), 335-370.
- Sabouri, N., Ebrahimi, A., and Keshavarz, M. (1401). Investigating the effect of economic policy uncertainty on the change of managerial behavior of managers according to the mediating variable of internal and external risk. *Scientific journal of modern research approaches in management and accounting*, 6(20), 2218-2233. (In Persian)
- Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons*, 3(4), 91-102.
- Scott, D. W. (2015). *Multivariate density estimation: theory, practice, and visualization*. John Wiley & Sons.
- Setayesh, M. H., & Daryaei, A. A. (2017). Good governance, innovation, economic growth and the stock market turnover rate. *The Journal of International Trade & Economic Development*, 26(7), 829-850.
- Sitanggang, S. N., Ikhsan, A., & Nasirwan, N. (2020). Analysis of the Influence of Managerial Ownership, Audit Quality and Audit Committee on Income Management (Study on Manufacturing Companies in the Consumer Goods Sector Listed on the Indonesia Stock Exchange 2014-2018). *Budapest International Research and Critics Institute (BIRCI-Journal): Humanities and Social Sciences*, 3(3), 2521-2533.
- Skorobogatova, N. (2016). Macroeconomic instability: its causes and consequences for the economy of Ukraine. *Eastern Journal of European Studies*, 3(2), 63.
- Soliman, M., & Abdel Salam, M. (2013). Corporate governance practices and audit quality: An empirical study of the listed companies in Egypt. *Available at SSRN 2257815*.
- Tarigan, B., Pramono, A. J., Rusmin, R., & Astami, E. W. (2022). The Impact of Ownership Structure and Audit Quality on Carbon Emission Disclosure: An Empirical Study from Indonesia. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 9(4), 251-259.
- Trombetta, M., & Imperatore, C. (2014). The dynamic of financial crises and its non-monotonic effects on earnings quality. *Journal of Accounting and Public Policy*, 33(3), 205-232.
- Viana Jr, D., Lourenço, I., Black, E. L., & Martins, O. S. (2022). Macroeconomic Instability, Institutions and Earnings Management: An Analysis in Developed and Emerging Market Countries. *Forthcoming, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*.

- Viana Junior, D. B. C., Lourenço, I. M. E. C., & Martins, O. S. (2019). The effect of macroeconomic instability on earnings management in developed versus emerging countries. *The effect of macroeconomic instability on earnings management in developed versus emerging countries*, 24, 1-20.
- Viana, J. D. B. C. (2021). *Cross-country differences in earnings management: the role of economic and institutional factors* [Tese de doutoramento, Iscte - Instituto Universitário de Lisboa]. Repositório do Iscte.
- Wijaya, A. L. (2020). Profitability, audit quality, and firm value: Case on Indonesian manufacturing companies. *Contabilidad y Negocios*, 15(30), 43-61.
- World Bank. (2018). *GDP annual growth: World Bank national accounts data, and OECD National Accounts data files*. <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG>.
- Zhang, L., Ma, Y., & Hu, Y. (2022). Does CEO duality worsen or fosters audit quality: evidence from Chinese firms?. *Economic Research-Ekonomiska Istraživanja*, 36(1), 1-21.